

## بازخوانی دیگری از هنر در اجتماع

در چارچوب روابط کشاورزی و حتی عقب‌تر از آن، در ساخت قبیله و عشایری به سر می‌برند و همه‌ی آنها را اصطلاحاً جنوب می‌نامند و غالباً کم‌درآمدند. هنوز آثار هنری ساخته می‌شود و همچنان هنر در ساختار اجتماعی مؤثر است.

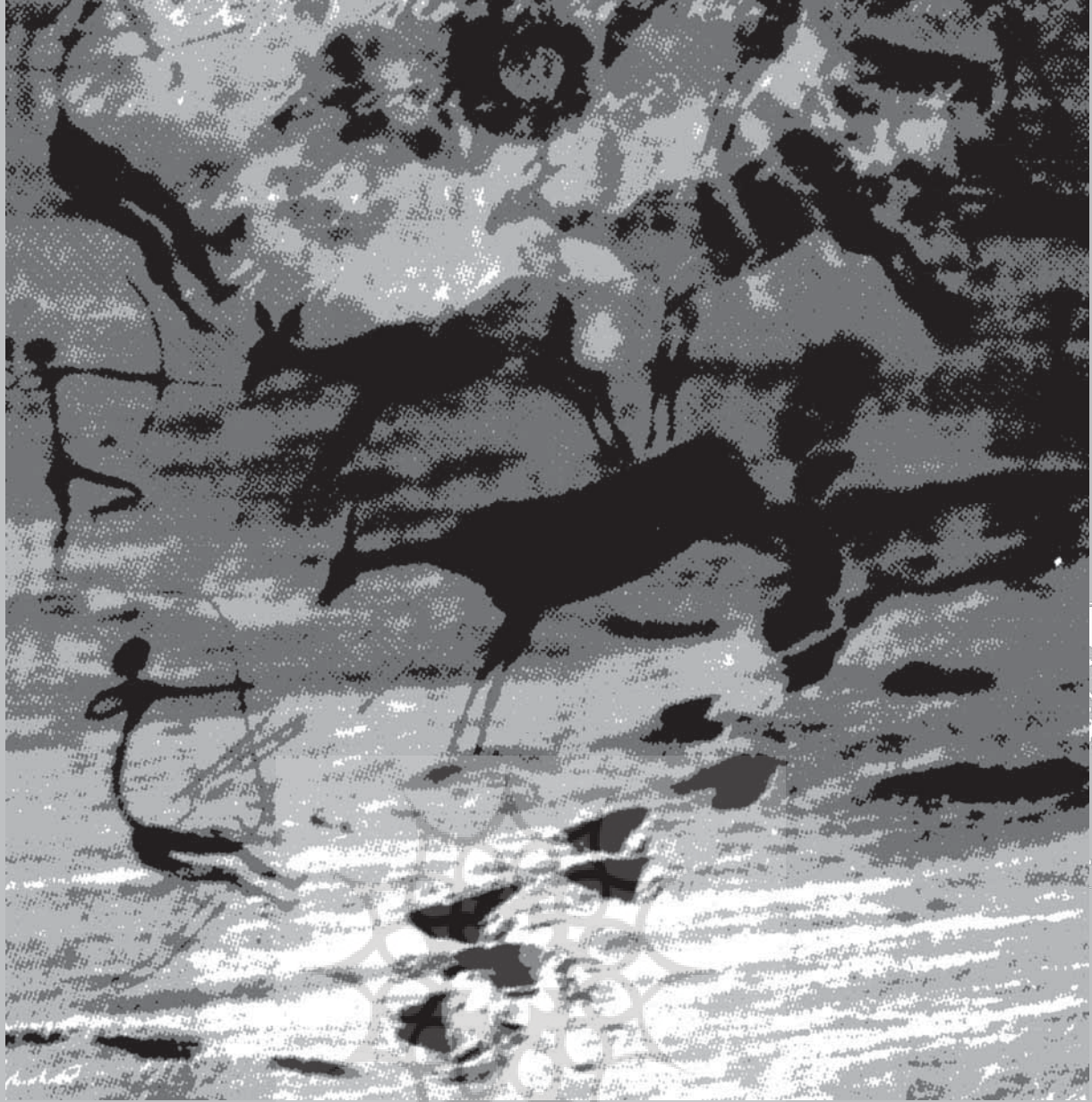
در نتیجه رشد و توسعه‌ی علوم انسانی از دو قرن پیش، رشته‌های مختلف از جمله جامعه‌شناسی به صورت علم آغاز شدند. از آن هنگام تاکنون جامعه‌شناسی گسترش کمی و کیفی فوق‌العاده‌ای یافته است. جامعه‌شناسی دانشی است که زاده‌ی مدرنیته (تجدد) و پیدایی شهرهای بزرگ است که در نتیجه‌ی بروز انقلاب صنعتی و ظهور شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری و بسط مناسبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وابسته به آن به وجود آمده است. سرمایه‌داری از همان گام‌های نخست استقرار خویش با ناقدان بسیار سرسخت روبه‌رو بوده است اما تاکنون موفق شده است که دائماً بازسازی خویش را تداوم بخشد و ساختاری رو به توسعه پیدا کند به طوری که مراحل عمدتاً سخت‌افزاری دوران صنعتی‌اش را که از طریق هژمونی اقتصادی و نظامی بروز می‌کرد را در قالب اشکال نرم‌افزارانه‌ی فرهنگی در دوران فراصنعتی‌اش تبدیل کند.

بی‌گمان پیدایی جامعه‌ی فراصنعتی که از آن به جامعه‌ی

از آثار باقی مانده‌ی مربوط به انسان غارنشین روزگار پارینه سنگی که در برخی نواحی دنیا کشف شده است می‌توان درک کرد که هنر در جماعت‌های اولیه‌ی انسانی از همان سرآغاز وجود داشته و گروه‌های انسانی با این پدیده‌ی عجیب آشنا بوده‌اند، علاوه بر اشیاء به دست آمده، از همه مشهورتر نقاشی‌هایی است که بر دیوار غارهای آلتامیرا و لاسکو هنوز باقی است و معلوم می‌سازد که گروه‌های انسانی از ابتدا با هنر بیگانه نبوده‌اند.

تصور این که ترسیم چنین نقش‌هایی یا ساختن پاره‌ای اشیاء را به دلایل و انگیزه‌های فردی بدانیم، کافی به نظر نمی‌رسد زیرا از آنها برای مراسم آیینی مربوط به شکار یا آرزوی افزایش حیوانات استفاده می‌کردند و این به خوبی نشان می‌دهد که انسان از نخستین زمانی که به صورت گروهی می‌زیست از هنر برای تداوم زندگی اجتماعی و استعانت جستن از سحر و جادوی آن بهره می‌برده است.

از آن سده‌های چندهزار ساله تاکنون که برخی کشورهای عالم به سطح پیشرفت چشمگیری رسیده‌اند، می‌گذرد. هنوز هم از این کشورهای فراصنعتی و صنعتی که اصطلاحاً شمال خوانده می‌شوند و بسیار ثروتمنداند گرفته تا سرزمین‌های جهان‌های سوم و چهارم (در حال توسعه و توسعه نیافته) که نه تنها کاملاً صنعتی نشده‌اند بلکه



اطلاعاتی Information Society نیز یاد می‌کنند، در نتیجه‌ی گسترش خارج از تصور وسایل ارتباطی نوین مانند اینترنت و موبایل و فراگیری عام رایانه‌های سبک قابل کارایی‌های اعجاب‌انگیز بوده است. امروزه پژوهشگران بیش از هر موضوع متوجه دگرگونی‌های فرهنگی در جوامع فراصنعتی شده‌اند. دگرگونی مفاهیمی مانند هویت، جنسیت و نژاد، مهاجرت، نژاد، قومیت، ترکیب‌های جمعیتی سیار در جوامع اطلاعاتی به نحو رو به تزایدی مورد بررسی‌های ژرف قرار می‌گیرند.

فرهنگ که تا چند دهه‌ی پیش خود یکی از مسائل و مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی بود، امروزه آن‌چنان مورد توجه قرار گرفته است که نه تنها به حیطه‌ی گسترده از پژوهش‌های اجتماعی مبدل شده است که از آن با عنوان مطالعات فرهنگی یاد می‌شود. دانش جامعه‌شناسی و ذیل آن جامعه‌شناسی هنر در روزگار جوامع صنعتی، شهرهای بزرگ، جمعیت انبوه و تولیدات کارخانه‌ای انبوه به موضوع فرهنگ و هنر می‌پرداختند. امروزه مطالعات فرهنگی به ویژگی‌های جوامع فراصنعتی و روابط میان گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی به گونه‌ای می‌پردازند که ظاهراً موضوع هنر را نیز از حوزه‌ی جامعه‌شناسی خارج کرده و در حیطه‌ی خویش قرار داده‌اند.

به عبارت دیگر، هنر جایگاه پژوهشی خویش را از مطالعات جامعه‌شناختی به مطالعات فرهنگی منتقل ساخته است. همواره هنر، پدیداری شگفت‌انگیز برای جوامع انسانی بوده است. قرن‌هاست که فلاسفه، مردان روحانی و... درباره‌ی این محصول عجیب انسانی بحث و اظهارنظر کرده‌اند و گاه از منظر زیبایی و گاه از آسیب‌های اخلاقی به پاره‌ای از هنرها و سلائق هنری تاخته‌اند. در ۱۵۰ سال اخیر دانشمندان علوم اجتماعی نیز به این اظهارنظرها افزوده‌اند و اکنون تقریباً نیم قرن است که مطالعات فرهنگی به صورت بررسی‌های چند رشته‌ای و میان رشته‌ای به هنر پرداخته است. آنچه در این بررسی‌ها قابل تأمل است نه رویکردی منفی که هنر را در چارچوب هنرهای زیبای مورد علاقه‌ی نخبگان و نه رویکرد جامعه‌شناختی که هنر را در قالب ساختارهای اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دادند، بلکه رویکرد تازه‌ای مطرح شده است و آن این که هنر همان است که مصرف‌کنندگان به چیزی عنوان هنر می‌دهند. به یک باره دنیای تازه و مسیری جدید از نقش، کارکرد و موقعیت هنر گشوده شده است که هنر را نه در پیش زمینه‌ی اجتماعی Social Context بلکه در پیش زمینه‌ی فرهنگی Cultural context جست و جو می‌کند.